

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباراد
بین بوم و بر زنده یک تن مباراد
همه سر به سر تن په کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

Iran's M.

afgazad@gmail.com

آینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر
۲۰۱۹ دسمبر ۱۷

توده گرسنه برای "نان، کار، آزادی" برخاسته است!

زمانی که این نشریه (پیام فدائی ۲۴۴) برای چاپ آماده می شد، بار دیگر خبر امید بخش انفجار خشم توده های به جان آمده در شهر های استان های سراسر ایران (در خبرها از آن بیش از صد شهر نام می برند) علیه ظلم و استبداد رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی ، همچون صاعقه ای آسمان پر التهاب میهن ما را درنوردید و بارقه های امید به تغییر وضع جهنمی موجود را بر دل تمامی محروم و ستمدیگان ایران و منطقه افشاراند. افزایش ۳۰۰ درصدی نرخ بنزین، که در چارچوب سلطه نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم و حاکمیت یک اقتصاد انگلی بر کشور ما معنایی جز یک جهش سراسام آور دیگر در روند صعودی گرانی و تورم و بیکاری و در نتیجه چشم انداز سقوط زندگی محنت بار میلیون ها تن دیگر از کارگران و زحمتکشان به مُرداب فقر و نابودی ندارد ، انداختن آتشی دیگر به اینان باروت خشم و نفرت فروخورده توده ها بود و آن ها را واداشت تا به رغم سلطه اختناق و سرکوب وحشیانه حکومت ، بار دیگر با مایه گذاردن از جان خود، خیز بلند دیگری برداشت و برای نابودی هیولای جمهوری اسلامی و تحقق شعار نان، کار، آزادی به مصاف با آن بروند.

حکومت ادعا می کند که یورش به سفره محقر گرسنگان به منظور غلبه بر "کسری بودجه" بالائی هاست. اما مگر مردم ما کوچکترین نظراتی بر عواید نجومی دولت و شیوه های مصرف آن در برنامه های حکومت دارند که اکنون باید جبران مأفات کسری آن را بکنند؟ ادعا می کند که با عوایدی که از گران کردن بنزین به دست می آورد به محتاجان یارانه خواهد پرداخت. اما مگر با گران شدن بنزین دیگر کالاهای نیز گران نمی شوند؟ پس این یارانه به چه کار محتاجان می آید! تازه قشر وسیعی از جامعه امروز یا با موتور کالاهای را جابه جا می کنند و یا مسافرکشی می کنند و یا در حاشیه شهرها زندگی می کنند و برای کار در شهر مجبورند ماشین سوار بشوند. تأثیرات مخرب گرانی بنزین روی کار زندگی این بخش از "محاجان" چه می تواند باشد؟

افزایش مرگبار قیمت سوخت به رغم تمامی عوامفریبی های جمهوری اسلامی در توجیه عملی نمودن آن در لحظه حاضر، گام دیگری در چارچوب یک برنامه کلان اقتصادی و سیاست "جراحی اقتصادی" می باشد که از سوی سرمایه داران غارتگر جهانی و نهادهای اقتصادی آنان مثل بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در اقتصاد وابسته و بحران زده ایران طراحی شده است. هدف این سیاست مرگبار هر چه مطلوبتر نمودن شرایط استثمار و غارت نیروی کار و منابع طبیعی موجود در بازار ایران برای سرمایه های غارتگر امپریالیستی و پُر تر کردن جیب سرمایه داران حاکم بر

ایران می باشد که با لفافه های پر طمطراقی نظیر "اصلاح" در ساختار اقتصادی و گسترش "بازار آزاد" و تشویق "خصوصی سازی" با ادعای ایجاد "رشد اقتصادی" طراحی شده است. این برنامه اهربینی که شرایط را برای غارت منابع طبیعی و نیروی کار ارزان توسط سرمایه های امپریالیستی تسهیل می نماید، در همه کشورهای تحت سلطه امپریالیست ها نظیر ایران باعث گسترش فقر و فلاکت و بیکاری و گرسنگی و قیر خوابی و فحشاء و غیره گشته تا جائی که توده های فرودست برای سیر کردن شکم خود به زباله گردی روی آورده اند.

اکنون جمهوری اسلامی در شرایطی مجبور به اجرای این طرح گشته است که در شرایط بحرانی غیر قابل انکاری به سر می برد، اوضاعی که برخی مشخصه های آن فشار تحريم های اعمال شده از طرف امریکا (در چهارچوب سیاست "ایران هراسی" و در رقابت با امپریالیست های رقیش) و عواقب سیاست های مملکت بر باد ده این رژیم چون صرف ده ها میلیارد دالر به منظور حمایت از سگان زنجیری امپریالیسم در کشورهای منطقه مثل عراق و سوریه و یمن و لبنان، و همچنین دزدی و غارت خزانه کشور از طرف خود دست اnder کاران رژیم می باشد. این واقعیت که خود حاصل وابستگی اقتصاد ایران به امپریالیسم و پیشبرد سیاست های امپریالیستی از طرف این رژیم در منطقه و به طور کلی نتیجه حاکمیت یک رژیم ضد خلقی در ایران می باشد، تأثیرات فاجعه باری را بر زندگی توده ها بر جای گذارده و شرایط مرگباری را موجد شده که کمر آن ها را خم نموده است. شدت این اوضاع بحرانی چنان است که روحانی فریبکار نیز به آن اعتراف نموده و فریاد می زند رژیشم هیچ گاه در چنین وضع و خیمی به لحاظ اقتصادی قرار نداشته و پولی در بساط (البته برای مردم) ندارد. اما، چنین اوضاع غیر قابل تحملی است که گرسنگان و محرومان را بار دیگر برای دفاع از بقای خود و خانواده های گرسنه شان و برای تغییر سرنوشت و زیر و رو کردن مناسبات ارتجاعی حاکم، به صحنه رزم با حافظان نظام حاکم کشانیده است. به صورتی که زنگنه، وزیر نفت بی شرم ارتاجع حاکم مطرح کرد، رژیم تا حد "تحمل توده ها" گران کردن بنزین را در برنامه خود گذاشته بود ولی ابعاد و شدت قیام خشمگین توده های ما به آنان خیلی زود احتساب غلطشان از تحمل و قدرت توده ها را آشکار ساخت.

اکنون و در این روزهای سرنوشت ساز، توده های یکبار دیگر وارد نبرد مرگ و زندگی با دشمنان تا بن دندان مسلحشان شده اند و با فدایکاری و از جان گذشتگی با دست خالی و یا با چوب و سنگ به دفاع از شرف و انسانیت و حقوق خود پرداخته اند و با فریاد "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "مرگ بر خامنه ای"، "مرگ بر روحانی"، "مرگ بر اصل ولایت فقهی"، "مرگ بر وطن فروش خائن"، "می میریم، ذلت نمی بذیریم"، "به پا خیز منجی خود تو هستی" و ... ده ها شهر اشغال شده میهنمان را به جبهه های جنگ گرسنگان با غارتگران بدل کرده اند. جوانان عاصی و مبارز در خطوط مقدم این جبهه به مزدوران رژیم یورش می برند، آن ها هر جا که توانسته اند در پاسخ به قهر ضد انقلابی گرمه های رژیم و در پاسخ به زوزه عمله های "اصلاح طلب حکومتی" و غیر حکومتی که از قیام کنندگان بیشترانه می خواهند در مقابل قهر و گلوله و خسونت حیوانی اعمال شده از سوی حکومت، "مسالمت" و آشتی نشان دهند، مراکز سرکوب نظیر کلانتری ها و بسیج، مراکز غارت نظیر بانک ها و مؤسسات مالی و نهادهای نشر ایدئولوژی ضد انقلابی طبقه حاکم مثل دفاتر امام جمعه و مراکز اسلامی را با خاک یکسان کرده و به تلی از خاکستر بدл کرده اند. خروش گرسنگان زمین را بار دیگر در زیر پای حاکمان استثمارگر و سرکوبگر لرزاند و آن ها اعتراف می کنند که "عمق" خیزش اخیر حتی از عمق قیام های مردمی قبلی در سال ۸۸ و ۹۶ بیشتر بوده است. تا جائی که خبرگزاری فارس می نویسد:

"گزارش میدانی خبرنگاران ما از سراسر کشور" نشان می دهد که "اشرار و ضد انقلاب" (بخوان توده محرومان به قیام برخاسته) "با گستره کمتر اما عمق بیشتر خسارات و خرابکاری داشتند". این خبرگزاری حکومتی سپس در

توضیح "عمق بیشتر" خیزش مردم به حملات آن ها به نهادهای سرکوبگر و به آتش کشیدن ادارات دولتی و بانک ها و حمله به حوزه های علمیه و کلانتری ها و گشودن آتش به سوی مزدوران رژیم در برخی موارد، اشاره می کند. اعتراضی که در واقع از عمق و شدت خشم استثمارشوندگان از دژخیمان حاکم و واکنش طبیعی شان در مقابل شدت ظلم و سرکوب رژیم جمهوری اسلامی خبر می دهد.

در روزهای گذشته ده ها تن از تode های بی گناه و جویای حق خویش، به دستور رهبران حکومت مزدور حاکم با آتش گلوله مستقیم دژخیمان رژیم کشته شده اند، تعداد بی شماری مجروح و چند هزار نفر از تظاهر کنندگان خواهان عزت و شرف انسانی توسط ضد خلقیان حاکم دستگیر شده اند - که البته خود ایادی رژیم به دستگیری بیش از ۱۰۰ تن اعتراض می کند.

یاد جانباختگان این قیام مردمی را پاس داریم و فدایکاری این تode عظیم به پا خاسته را با تمام توان ارج گذاری کنیم. به جوانان مبارز در صحنه، این پیام مهم مبارزاتی که صحتش در تمام خیزش های سال های اخیر به طور آشکار ثابت شده را برسانیم که در مقابل یک حکومت تا بن دندان مسلح که کمترین ندای مخالف را بر نمی تابد و تنها زبان زور و گلوله را می فهمد ، باید به سازماندهی خود پرداخت، متشكل شد و با یک برنامه مناسب و سلاح مؤثر به نبرد پرداخت. زیر پرچم "تشکل، تسلیح، اتحاد، مبارزه، پیروزی" امکان پیش روی مبارزات دلاورانه کنونی و چشم انداز پیروزی را می توان فراهم نموده و در مقابل تode های به میدان آمده قرار داد. تشکیل هسته های سیاسی - نظامی و دست زدن به عملیات پارتبیزانی یا همان چریکی، گام نخستین برای پاسخ به ضرورت شکستن بن بست کنونی و تغییر موازنہ به نفع میلیون ها تن از استثمار شدگانی است که با هدف براندازی نظام ضد خلقی حاکم بر خاسته اند. مقابله با زور سازمان یافته حکومت و نیروی سرکوبش در مسیر سازماندهی قدرت و تجهیز نیروی بنیان برافکن تode های متعدد ، تنها راه رهائی کارگران و رحمتکشان ماست.

در خارج از کشور، دفاع از قیام تode های رنجیده که برای رسیدن به جامعه آزادی که در آن "نان، مسکن، کار و آزادی" برای همگان تضمین شده باشد ، یک وظیفه مبرم مبارزاتی است. برخیزیم و در حد توان صدای رزمندگان این قیام و پیام پیکار آن ها با اهریمنان حاکم را به گوش جهانیان برسانیم و آنان را در مسیر نابودی اهریمنان حاکم پاری دهیم.

به نقل از: پیام فدائی ، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران
شماره ۲۴۴ ، آبان ماه [عقرب] ۱۳۹۸